

الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه

سمیه نیکوئی^۱

چکیده

علنی بودن دادرسی در اصطلاح عبارت است از عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه‌ها در جلسه‌های دادگاه و انتشار جریان دادرسی با رعایت حق متهم و بزه‌دیده که یکی از معیارهای اساسی دادرسی عادلانه است. این اصل نیازمند الزاماتی مانند رفع موانع حضور افراد و امکان انتشار جریان رسیدگی، حضور متهم در دادگاه، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان، مشخص بودن هویت کنشگران فرایند کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت رأی است.

واژگان کلیدی

علنی بودن دادرسی، دادرسی عادلانه، حضور متهم، انتشار جریان رسیدگی، اعلان رأی

مقدمه

توسعه عدالت کیفری در هر جامعه‌ای با دادرسی عادلانه در آن جامعه که مستلزم حق‌ها و آزادی‌های کنشگران فرایند کیفری است، ارتباط تنگاتنگی دارد. ارتقاء عدالت کیفری موجب توسعه عمومی و تعالی اجتماع نیز می‌شود. زیرا، وقتی شهروندان می‌بینند که حق آنان مورد احترام و حمایت هیأت حاکمه قرار می‌گیرد، در آنان احساس امنیت قضائی ایجاد و تقویت می‌شود و در پی آن تمایل بیش‌تری در مشارکت برای پیش‌رفت اجتماع خود خواهند داشت.

از علنی بودن دادرسی به‌منزله یکی از شاخص‌های مهم دادرسی عادلانه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر مانند ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۶۷ و ۶۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون میان‌امریکایی حقوق بشر یاد شده است. زیرا، حضور مردم در جلسه دادرسی بدون هیچ‌گونه مانعی موجب می‌شود که آنان در جریان محاکمه قرار گرفته و در یک داوری عمومی، عادلانه یا ناعادلانه بودن آن را ارزیابی کنند.

در نظام حقوقی ایران نیز، علنی بودن دادرسی کیفری به‌منزله مؤلفه‌ای مترقی و بنیادین در دو اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ ق.ا. و نیز ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ا.ک. پیش‌بینی شده که این امر حاکی از توجه قانون‌گذار ایرانی به اهمیت و تأثیر اصل مزبور در تضمین حق‌ها و امنیت قضائی افراد است.

هر چند در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ماده خاصی به مقتضیات دادرسی علنی اختصاص داده نشده است، با بررسی و دقت‌نظر در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، شرایطی برای تحقق علنی بودن دادرسی لازم و ضروری است.

۱. رفع موانع حضور مردم و رسانه‌ها در جلسه‌های دادرسی

جوهره اصلی دادرسی علنی حضور مردم برای اجرای حق نظارت عمومی بر دادگاه‌هاست. صرف حضور طرف‌های دعوا و حتی گواهان علنی بودن دادرسی را فراهم نمی‌کند، بلکه باید درهای دادگاه بدون هیچ گونه تبعیضی به روی مردم گشوده باشد [۲۳-۱۲۲: ۳]. با وجود این، در مواردی که ممنوعیت عامی برای حضور مردم در جلسه دادگاه وجود ندارد ولی به افراد یا گروه‌های خاصی اجازه حضور در دادگاه داده نمی‌شود، رسیدگی همچنان علنی است. می‌توان برای نمونه از ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه نام برد. این امر را می‌توان این گونه توجیه کرد که حضور کودکان در دادرسی‌های کیفری و شنیدن جزئیات فجیع و نانسانی عمل مجرمانه موجب آسیب‌های روانی به آنان می‌شود. همچنین، به سبب پایین بودن سن این گروه برای تشخیص اعمال خوب و بد و تمیز آنها و امکان فراگیری چگونگی ارتکاب جرم، احتمال دارد که مرتکب جرم شوند.

از همین رو، قانون‌گذار ایران در ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ا.ک. مقرر داشته است که «حضور اشخاصی که کمتر از ۱۵ سال سن دارند در دادگاهی که به امور کیفری رسیدگی می‌کند به عنوان تماشاچی ممنوع می‌باشد». با توجه به آنچه گفته شد، دیگر نمی‌توان قائل به وجود تعارض میان ماده ۱۸۹ با ماده ۱۸۸ این قانون بود.

در مواردی نیز که دادرسی برای شنیدن گواهی یکی از گواهان، دیگر گواهان را از حضور در جلسه رسیدگی منع می‌کند، به علنی بودن دادرسی خدشه‌ای وارد نمی‌شود^۲. این برخورد به علت تضمین درستی ادای گواهی و جلوگیری از تحریف محتوای گواهی بر اثر شنیدن سخنان سایر گواهان و به تبع آن انحراف از راست‌گفتاری است؛ چنانکه وقتی گواهی اظهارات خود را نزد دادرسی بیان کرد، می‌تواند در جلسه

۲. ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ا.ک.:: «دادگاه مکلف است از گواهان به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط گواهان با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم معمول دارد و بعد از تحقیقات انفرادی دادگاه می‌تواند بر حسب درخواست متهم یا مدعی خصوصی یا با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از گواهان تحقیق نماید...».

دادگاه بماند و بیرون نرود.

برای آنکه عموم بتوانند در جلسه دادرسی پرونده خاصی حضور یابند، لازم است که پیش از شروع رسیدگی از زمان و مکان آن محاکمه آگاهی یابند. در برخی از کشورها، رویه بدین شکل است که وقت رسیدگی هر شعبه دادگاه با ذکر اتهام موضوع رسیدگی در راهروهای کاخ دادگستری برای ملاحظه عموم نصب می‌شود [۲- ۴۱: ۲]. متأسفانه، در ایران دادگاه‌ها الزامی برای اعلام زمان و مکان جلسه‌های دادرسی ندارند. شایسته است که نظام قضائی ایران نیز با اعلام پیشین زمان و مکان جلسه‌های رسیدگی، زمینه حضور مردم را در دادگاه آسان کند.

هر چند علنی بودن دادرسی کیفری حقی است برای تک‌تک افراد جامعه، با توجه به امکانات مادی محل تشکیل دادگاه، این حق محدودیت‌پذیر است. دادرسی تنها تا اندازه‌ای که فضای دادگاه و شمار صندلی‌های خالی موجود در آن امکان پذیرش افرادی به جز طرف‌های دعوا و وکیل آنان را می‌دهد، مکلف به پذیرش آنان است و بیش از آن وظیفه‌ای ندارد [۲: ۴۲]. البته، در پرونده‌های ویژه که افکار عمومی توجه خاصی به آنها دارند، دادرسی می‌تواند دستور دهد که جلسه محاکمه در محیط بزرگ‌تری تشکیل شود تا امکان حضور افراد بیشتری از جامعه در دادگاه فراهم شود.

افزون بر مردم عادی، نمایندگان رسانه‌ها نیز حق حضور در جلسه‌های علنی دادرسی را دارند. ایشان وظیفه دارند که گزارش جلسه دادرسی را به اطلاع مردمی برسانند که نتوانستند در دادگاه حضور یافته و از نزدیک محاکمه را مشاهده کنند.

تماشاچیان محاکمه حق هیچ اظهارنظری ندارند و در تمام طول مدت رسیدگی باید ساکت مانده و از جانب‌داری به نفع یکی از طرف‌ها خودداری کنند و نظم جلسه را برهم‌نزنند. با وجود این، اخلال یا بی‌نظمی از سوی تماشاچیان دلیلی بر اعلام غیرعلنی بودن رسیدگی نیست، بلکه دادرسی می‌تواند برهم‌زنندگان نظم جلسه دادگاه را از حضور در جلسه محروم یا حتی آنان را بازداشت کند [۲: ۴۲].

بر پایه تبصره ۲ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ا.ک. نیز، «اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیرعلنی شدن محاکمه نیست و باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می‌تواند کسانی را که باعث اخلال نظم می‌شوند از یک تا پنج روز توقیف نماید، دستور دادگاه قطعی است و فوری به اجراء گذارده خواهد شد. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند یادآور می‌شود». قانون‌گذار ایران از تعریف اخلال و مصداق‌های آن خودداری کرده و تعیین آن را به دادرس واگذار کرده است. البته، این اختیار بدان معنا نیست که دادرس دادگاه با نخستین صدا یا پیچ ناموزون در زمان محاکمه با صدور حکم قضائی عامل این صدا را روانه زندان کند. در حقیقت، دادرس از جهت حفظ نظم جلسه و جلوگیری از مداخله حاضران در امر دادرسی مجاز به چنین کاری است. قطعی و فوری بودن حکم نیز از آن جهت است که دادگاه بتواند با اجرای سریع آن نسبت به ادامه رسیدگی اقدام کند.

۲. امکان انتشار جریان دادرسی

این مؤلفه برگرفته از مؤلفه نخست بوده و دربردارنده حق آزادی رسانه‌ها برای انتشار جریان دادرسی علنی است. اقتضای علنی بودن جلسه‌های دادگاه آن است که هر یک از اعضای جامعه حق داشته باشند در دادگاه حضور یافته و روند رسیدگی را از نزدیک تماشا کنند. ولی، بیش‌تر مردم به دلایل متعدد مانند فاصله مکانی میان محل زندگی خود با دادگاه یا محدود بودن فضای دادگاه برای پذیرش همه علاقه‌مندان، نمی‌توانند به‌شخصه و از نزدیک جریان محاکمه را پی‌گیری کنند. بدین جهت، نمایندگان رسانه‌ها در دادگاه حضور یافته و محاکمه را مشاهده و ثبت کرده و برای آگاهی‌دهی به افراد علاقه‌مند به جریان محاکمه که امکان حضور در دادگاه را نداشته‌اند، منتشر می‌کنند.

تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ا.ک. پیش از اصلاح اخیر حق آزادی رسانه‌ها را برای انتشار جریان دادرسی نقض کرده بود. بر پایه این تبصره، «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد، لکن انتشار آنها در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتری محکوم می‌شود». ابتدای تبصره با پایان آن هم‌خوانی نداشت. زیرا، از یک سو حضور مردم را در دادگاه آزاد می‌دانست و از سوی دیگر، انتشار جریان محاکمه همان دادگاه را در مطبوعات ممنوع اعلام می‌کرد. از این رو، این پرسش مطرح می‌شد که چه تفاوتی میان افراد حاضر در دادگاه با افرادی که در خانه نشسته و از رهگذر صدا و سیما یا روزنامه‌ها از مطالب آن دادگاه آگاه می‌شوند، وجود دارد؟

این تبصره در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ به شکل زیر اصلاح شد: «منظور از علنی بودن محاکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افتراست».

این تبصره با اصل بیست و چهارم ق.ا. در مورد آزادی نشریات و مطبوعات تعارض ندارد. هرچند قانون اساسی محدود کردن آزادی نشریات و مطبوعات را تنها در صورت تعدی به مبانی اسلام و حقوق عمومی جایز دانسته است، نباید اصل بیست و دوم ق.ا. را از نظر دور داشت. بر پایه این اصل، «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». بنا بر این، انتشار هویت مظنون که ممکن است بی‌جهت متهم شده و سرانجام تبرئه شود، موجب لکه‌دار شدن حیثیت وی می‌شود. از همین رو، رسانه‌ها باید از انتشار مطالبی که مستلزم هویت و

موقعیت اجتماعی متهم است، خودداری کنند. در حقیقت، قانون‌گذار با پیش‌بینی این ماده قصد داشته که حریم خصوصی متهم و بزه‌دیده را مورد توجه قرار داده و از رهگذر منع انتشار هویت شاکی و متهم در رسانه‌ها، از حق خلوت آنان حمایت کند.

۳. حضور متهم در جلسه دادرسی

دیگر مؤلفه لازم برای دادرسی علنی این است که متهم در جلسه دادگاه حضور یابد و از دلایل گردآوری‌شده علیه خود آگاه شود و با توجه به آنها از خود دفاع کند. بر پایه این حق، دادگاه ملزم است که زمان و مکان رسیدگی را در زمانی که متهم یا وکیل او بتوانند در دادرسی حضور یابند، به آنان اطلاع دهد. حداقل فاصله میان ابلاغ احضاریه و جلسه دادگاه در کشورهای مختلف متفاوت است.

برای نمونه، مطابق قانون اصول محاکمات جزایی عمان، در امور خلافی دست‌کم یک روز، در جنحه سه روز و در جنایت هفت روز پیش از جلسه دادگاه، باید وقت رسیدگی به متهم ابلاغ شود [۱۱۲: ۳]. قانون آیین دادرسی کیفری ایران فاصله میان ابلاغ احضاریه و زمان احضار را دست‌کم سه روز تعیین کرده است. البته، اگر موضوع فوریت داشته باشد، می‌توان متهم را زودتر احضار کرد^۳.

بر پایه قسمت چهارم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «متهم حق دارد در محاکمه حضور یافته و به‌شخصه یا از رهگذر وکیل برگزیده از خود دفاع کند»^۴. هر چند این حق که جزئی جدانشدنی از حق دفاع متهم است، در

۳. تبصره ماده ۱۷۷ ق.ا.د.ا.ک.: «فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار حداقل سه روز است و هر گاه موضوع فوریت داشته باشد، می‌توان متهم را زودتر احضار کرد».

۴. حق حضور در دادرسی در سندهای بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر نیز بیان شده که می‌توان به قسمت چهارم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون میان‌امریکایی حقوق بشر، قسمت دوم بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر، قسمت چهارم بند ۴ ماده ۲۱ اساس‌نامه دادگاه یوگسلاوی، قسمت چهارم بند ۴ ماده ۲۰ اساس‌نامه دادگاه رواندا و قسمت چهارم بند ۱ ماده ۶۷ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذکر نشده، دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرده است که موضوع و هدف ماده ۶ آن است که متهمان از حق مشارکت در جلسه رسیدگی بهره‌مند باشند [۴].

کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی این تضمین گفته است که متهم یا وکیل او باید از حق شرکت و دفاع فعال در همه مرحله‌های تحقیق و رسیدگی بهره‌مند باشند؛ همچنان که در صورت باور به ناعادلانه بودن محاکمه، از حق اعتراض به دادگاه بهره‌مند اند.^۵

حتی در مرحله تجدیدنظر نیز، اگر دادگاه رأی بدوی را نقض کرده و وارد ماهیت پرونده شود، ملزم است که از متهم دعوت به حضور کند. دیوان اروپایی حقوق بشر رأی دیوان عالی نروژ را نقض حق متهم شناخت. در این پرونده، دیوان عالی نروژ برخلاف اظهارنظر دادگاه بدوی که متهم را تبرئه کرده بود، بدون احضار متهم برای حضور در دادرسی وی را محکوم و مجازات کرد. دیوان اروپایی در این باره حکمی صادر کرد که بر پایه آن، اگر دیوان عالی دلایل متهم را بررسی نکرده باشد، صدور حکم مغایر با حکم تبرئه در دادگاه پایین‌تر نمی‌تواند به‌درستی صورت بگیرد. زیرا، دیوان متعهد بوده است که احضاریه‌ای برای حضور متهم در دیوان عالی بفرستد و دلایل متهم را به‌طور مستقیم از وی دریافت کند.^۶

حق حضور در جلسه دادگاه تجدیدنظر در صورتی که وکیل برگزیده متهم نیز بتواند

5. Documents sent by Amnesty International to the Islamic Republic of Iran; First Publish 1987 by Amnesty International Publication, p. 39.

به نقل از: امیدی، جلیل؛ مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر؛ مجلس و پژوهش، ش ۳۸، س ۱۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۳۲.

6. See *Botten v. Norway* (50/1994/497/597), February, at 22; See also *Kremzaw v. Austria*, (9/1992/374/448), 21 September 1993, at 16 (Quoted by: Amnesty International, op.cit).

حضور داشته باشد، تحقق یافته است. کمیته حقوق بشر در مقام رسیدگی به ادعای یکی از اتباع دولت جامائیکا اظهار داشته که اگر متهم در دادگاه تجدیدنظر حضور نداشته ولی وکیل وی حضور داشته است، نقض حق حضور تلقی نمی‌شود.^۷

مبنای حضوری بودن دادرسی اصل برابری سلاح‌هاست. وقتی فردی در معرض اتهام قرار می‌گیرد، حق دارد که از تسهیلات لازم و برابر با طرف مقابل خود بهره‌مند باشد. بنا بر این، باید از دلایل و اسنادی که طرف وی به دادگاه ارائه کرده یا دادسرا گردآوری کرده است، آگاه شود و با داشتن زمان کافی مدارک لازم را برای دفاع از خود فراهم کند. در جلسه دادگاهی که شاکی و نماینده دادستان حضور دارند ولی از متهم دعوت به حضور نشده است، رسیدگی عادلانه و مبتنی بر برابری سلاح‌ها نیست.^۸

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجوزی در مورد رسیدگی غیابی بیان نشده و حتی دبیر کل سازمان ملل متحد نیز درباره تشکیل دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی اعلام کرد که «دادرسی تا زمانی که متهم به طور فیزیکی نزد دادگاه بین‌المللی حضور یابد، شروع نخواهد شد. تأکید بسیاری بر این مسأله وجود دارد که رسیدگی غیابی نباید در اساس نامه این دادگاه مقرر شود؛ زیرا، با ماده ۱۴ میثاق که اعلام می‌دارد متهم باید هنگامی محاکمه شود که در دادگاه حضور دارد، در تعارض است»^۹. البته، کمیته حقوق بشر ده سال پیش از گزارش دبیر کل اعلام کرده بود که در اوضاع و احوال استثنائی، این امکان وجود

7. Henry v. Jamaica (230/1987), 1 November 1991, Report of the HRC, (A/47/40), 1992 at 225. (Quoted by: Amnesty International, Ibid).

۸. برای مطالعه بیشتر، ر.ک.: عبدالرزاق الحدیثی، عمر فخری؛ حق المتهم فی محاکمه عادلانه؛ صص ۱۹-۱۱۱ و العوجی، مصطفی؛ حقوق الانسان فی الدعوی الجزائیة؛ الطبعة الاولى، لبنان، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۹، صص ۷-۱-۲ و علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنائی؛ ج ۵، چاپ رودکی، بی‌تا، صص ۷-۶.

9. Report of the Secretary-General Pursuant to para 2 of Security Council Resolution 808 (1993), UN Doc: S/25704, 3 May 1993 and S/25704/Corr.1.30 July 1993, Part V.A. at para 101 (Quoted by: Amnesty International, op.cit)

دارد که شخصی به طور غیابی مورد محاکمه قرار گیرد؛ مشروط بر اینکه متهم از جریان رسیدگی آگاه شده و برای حضور در دادگاه در زمانی مناسب که بتواند از خود دفاع کند، احضار شده باشد.^{۱۰} در چنین شرایطی، کمیته حقوق بشر تصریح کرده که «نظارت دقیق بر همه حقوق دفاعی متهم ضروری است»^{۱۱}.

باید خاطر نشان کرد که نمی‌توان این اصل را به طور مطلق و بدون استثناء پذیرفت؛ زیرا، در بسیاری از موارد موجب تضییع حق شاکی می‌شود. در نظام آیین دادرسی کیفری ایران، رسیدگی غیابی در دعوای کیفری پذیرفته شده و مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.آ.د.ا.ک. بدان اختصاص داده شده است.

در جرم‌های حق الناسی، دادرس مکلف است که برای حفظ و جلوگیری از تضییع حق شاکی، به اتهام فرد غایب رسیدگی کرده و رأی صادر کند. ولی، در جرم‌های حق اللہی، دادگاه تنها در صورتی که محتویات پرونده مجرمیت متهم را ثابت نکند، به صدور رأی مبنی بر برائت مبادرت می‌کند.^{۱۲} بنا بر این در حق الله، اصل بر حضور متهم در جلسه دادرسی است و تنها در مواردی که روند پرونده به برائت وی می‌انجامد، رسیدگی غیابی ایرادی ندارد.

همچنین، در مورد کودکان، دادگاه می‌تواند با ملاحظه شرایط خاص و آسیب‌پذیری

10. Mbenge v. Zaire, (16/1997), 5 March 1983, 2 Sel Dec.16 (Quoted by: Ibid).

11. Human Rights Committee General Comment 13, para 11 (Quoted by: Ibid).

۱۲. ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ا.ک.: در کلیه جرائم مربوط به حقوق الناس و نظم عمومی که جنبه حق اللہی ندارند هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و یا لایحه نفرستاده باشد دادگاه رأی غیابی صادر می‌نماید، این رأی پس از ابلاغ واقعی ظرف ده روز قابل واخواهی در دادگاه صادرکننده رأی می‌باشد و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر قانون تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها قابل تجدیدنظر است.

تبصره ۱- رأی غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشده باشد، پس از انقضای مدت واخواهی و تجدیدنظر به اجرا گذارده خواهد شد. هرگاه رأی صادره ابلاغ قانونی شده باشد در هر حال محکوم‌علیه می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ اطلاع از دادگاه صادر کننده رأی تقاضای واخواهی نماید. در این صورت دادگاه اجرای رأی را به صورت موقت متوقف و در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می‌نماید.

تبصره ۲- در جرایمی که جنبه حق اللہی دارد چنانچه محتویات پرونده مجرمیت متهم را ثابت ننماید و تحقیق از متهم ضروری نباشد دادگاه می‌تواند غیاباً رأی بر برائت صادر نماید.

آنان در صورت اقتضاء مصلحتِ کودک، رسیدگی در بخشی از مرحله‌های دادرسی را در غیاب وی (متهم) انجام دهد؛ ولی در هر حال رأی دادگاه حضوری است (ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ا.ک.).

۴. رویارویی متهم با شاکی و گواهان و امکان پرسش از آنان

رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان از این جهت با علنی بودن در ارتباط است که امر رویارویی در حضور مردم سالم‌تر و شفاف‌تر صورت می‌گیرد و امکان انحراف گواهان از حقیقت و عدالت کم‌تر است. زیرا، به واسطه نظارت عمومی حاضران در جلسه، گواهان به راحتی اجازه انحراف از مسیر عدالت را به خود نمی‌دهند. رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان از جمله حق‌های متهم و یکی از مؤلفه‌های اساسی اصل برابری سلاح‌ها به شمار می‌آید. این حق دفاعی متهم مستلزم دو جنبه است:

۱. حق دانستن هویت گواهانی که علیه وی گواهی می‌دهند؛
۲. حق رویارویی و پرسش از گواهان طرف مقابل و نیز حق دعوت از گواهانی که به نفع وی گواهی می‌دهند. در بیش‌تر موارد، تضمین جنبه نخست با تضمین جنبه دوم ملازمه دارد.

بر پایه قسمت پنجم از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «متهم حق دارد از گواهانی که علیه وی گواهی داده‌اند، پرسش کند یا بخواهد که از آنان پرسش شود؛ همچنان که حق دارد گواهانی که به نفع وی گواهی می‌دهند، با همان شرایط و تسهیلات گواهان مخالف احضار شده و گواهی‌شان شنیده شود». این ماده به طور مشخص بیان می‌کند که مقام پی‌گرد باید متهم را پیش از دادرسی از وجود گواهی که می‌خواهد به دادگاه دعوت کند، آگاه سازد تا متهم بتواند زمان و فرصت کافی برای دفاع از خود داشته باشد. همچنین، متهم حق دارد که هنگام گواهی حضور داشته باشد

[۱۸: ۵]. این مضمون در بخش ششم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون میان‌امریکایی حقوق بشر، بخش چهارم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بخش سوم بند ۵ ماده ۲ قطعنامه کمیسیون افریقایی حقوق بشر، قسمت پنجم بند ۴ ماده ۲۱ اساس‌نامه دادگاه یوگسلاوی، قسمت پنجم بند ۴ ماده ۲۰ اساس‌نامه دادگاه رواندا و قسمت چهارم بند ۱ ماده ۶۷ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده است.

باید یادآور شد که این حق متهم حقی مطلق نیست و در شرایطی محدودیت‌پذیر است. دادگاه‌های ملی می‌توانند در عین رعایت روح تضمین مورد بحث، درباره این مسأله که آیا گواهان به انگیزه کشف حقیقت وارد دعوا شده‌اند یا خیر، تصمیم بگیرند و در صورت منفی بودن پاسخ، از شنیدن اظهارات آنان و استناد به چنین اظهاراتی خودداری کنند [۳۵-۱۳۴: ۱]. البته، دادرسان نباید اصل انصاف و برابری سلاح‌ها را نادیده بگیرند.

بر پایه رأی دیوان اروپایی حقوق بشر، هر چند به موجب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر الزامی به حضور و بازجویی هر گواهی که به نفع متهم باشد نیست، در این باره که کدام یک از گواهان را دعوت کرد، دادگاه باید اختیار خود را بنا بر اصل انصاف و برابری سلاح‌ها اعمال کند. هنگامی که دادگاهی در رأی خود از توضیح این مسأله خودداری کرد که چرا درخواست متهم برای بازجویی چهار گواه را رد کرده بود، دیوان اروپایی حقوق بشر چنین حکم داد که حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه خدشه‌دار شده است.^{۱۳}

در رسیدگی به یک قتل، وقتی گواه متهم آماده ارائه گواهی بود ولی به دلیل نداشتن وسیله نقلیه نتوانست در زمان مشخص شده در دادگاه حضور یابد، کمیته حقوق بشر اعلام کرد که بند ۱ و ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نقض

13. Vidal v. Belgium, (14/1991/299/337), 22 April 1992 (Quoted by: Amnesty International, op.cit).

شده است. زیرا، ناتوانی گواه برای حضور در دادگاه به مقام‌هایی منتسب بوده است که می‌توانستند تاریخ رسیدگی را به روز دیگری تغییر دهند یا وسیله نقلیه‌ای برای وی فراهم کنند.^{۱۴}

پرسش از گواهان در جلسه دادگاه هم از سوی دادستان و هم از جانب متهم برای دادگاه فرصت مناسبی را فراهم می‌کند تا بتواند عادلانه و مستدل رأی خود را صادر کند. حق متهم برای پرسش از گواه برای این است که او بتواند از رهگذر این پرسش‌ها، دلایل و اعتبار آنها را مورد چالش قرار داده و از خود دفاع کند. البته، متهم نمی‌تواند به بهانه استیفای حقی مطلق، هر پرسشی را مطرح کرده و پاسخ آنها را از گواهان طرف مقابل درخواست کند. اعمال این حق زیر نظارت و کنترل دادگاه خواهد بود [۱۳۵: ۱]. دادگاه می‌تواند با مداخله و ارزیابی خود تنها به پرسش‌هایی اجازه طرح و پاسخ دهد که در کشف حقیقت مؤثر باشند.

هر چند در برخی اوضاع و احوال خاص مانند گواهی از سوی خود بزه‌دیده — به‌ویژه اگر از گروه‌های آسیب‌پذیر باشد؛ مانند کودکی که ادعا می‌شود بزه‌دیده سوءاستفاده جنسی است —، هویت گواه از متهم پنهان می‌ماند، این استثناءها باید به گونه‌ای باشند که به حق دفاع متهم آسیبی نرسانند. زیرا، عدم اطلاع متهم از هویت گواه موجب می‌شود که نتواند دلایلی را که به طور مستقیم به هویت وی مربوط می‌شود، به چالش بکشد و در نتیجه، کل روند دادرسی ناعادلانه شود.

دیوان اروپایی حقوق بشر استفاده از گواهان بی‌نام را در هر حال ممنوع نکرده است، ولی یادآور شده که استفاده از این شیوه باید به گونه‌ای بسیار محدود صورت گیرد.^{۱۵} این دیوان اعلام کرد که همه دلایل باید به شکل عادی در جلسه علنی و در

14. Grant v. Jamaica (353/1988), 31 March 1994, VNDoc CCPR/C/50/D/353/1988, at 10 (Quoted by: Ibid).

15. Doorson v. The Netherlands, 26 March 1996, OEA/Ser.L/V/II.95, doc7 rev.1997, at 658 and 736 (Quoted by by: Amnesty International, op.cit)

حضور متهم برای بحث دوسویه ارائه شوند.

استثناءهایی نسبت به این اصل وجود دارند که البته نباید حقوق دفاعی متهم را خدشه‌دار کنند. به‌منزله قاعده‌ای کلی، بند ۱ و ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی الزام می‌کند که دفاع‌کننده فرصت کافی و مقتضی برای به چالش کشیدن و پرسش از گواهان هم‌زمان با اظهارنظر آنان یا در مرحله‌های بعدی را داشته باشد.^{۱۶} البته، در موردی که متهم فراری بوده و دسترسی به وی امکان‌پذیر نیست، پس از دستگیری متهم، گواهی پیشین گواهان در صورت عدم امکان یافتن آنان معتبر و استنادپذیر است. در پرونده‌ای که متهم پس از سه سال فرار از کشور در دادگاه حضور یافته بود و گواهان اصلی دادستان دیگر در دسترس نبودند، دیوان اروپایی چنین حکم داد که عدم امکان حضور گواهان در دادگاه به‌خودی‌خود به توقف پی‌گرد نمی‌انجامد و مقرر داشت که با وجود این، مقام‌های قانونی نباید از کوشش برای یافتن افراد مربوط غفلت کنند. دیوان یادآور شد که اظهارات گواهان دست‌ن‌ناپذیر که دادستان در دادگاه ارائه کرده است، دلایل دیگر را تأیید می‌کنند.^{۱۷}

ممکن است حق گواهان مبنی بر حمایت در برابر انتقام‌جویی‌های احتمالی متهم نسبت به آنان یا خویشان‌شان با حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه تعارض پیدا کند. برای جلوگیری از تعرض به حق‌های متهم برای رویارویی با گواه، دادگاه‌ها باید به طور خاص ادعاهای گواه را مبنی بر احتمال تلافی بررسی کرده و در صورتی اجازه خروج متهم از دادگاه را بدهند که دلایل واقعاً معتبر باشند. دیوان اروپایی اعلام کرده است که وقتی مواردی مانند زندگی، آزادی یا امنیت گواهان در معرض خطر است، دادگاه‌ها باید رسیدگی خود را به گونه‌ای سامان دهند که آنان با این خطرها روبه‌رو نشوند.^{۱۸}

16. Van Mechelen and Others v. The Netherlands, (55/1996/674/861-864), 23 April 1997, para.51 (Quoted by: Ibid).

17. Artner v. Austria, (39/1991/362), 28 August 1992, at 7 (Quoted by: Ibid).

18. Doorson v. The Netherlands, 26 March 1996, 2 Ser, A 470, para 10 (Quoted by: Ibid).

با وجود این، دیوان اروپایی حقوق بشر به تازگی اعلام کرده است که حق بهره‌مندی از اجرای منصفانه عدالت نیازمند آن است که اقدام‌های محدودکننده حقوق دفاعی بسیار محدود و ضروری باشند^{۱۹}. کمیسیون میان‌امریکایی حقوق بشر نیز نیاز به اقدام‌هایی برای حمایت از امنیت فردی گواهان و مطلعان را بدون تأثیر بر تضمین‌های دادرسی عادلانه به رسمیت شناخته است^{۲۰}.

۵. مشخص بودن هویت کنشگران فرایند دادرسی کیفری

هویت افرادی که در فرایند کیفری شرکت دارند، اعم از متهم، شاکی، دادرس، دادستان، اعضای هیأت منصفه و گواهان باید مشخص بوده و برای آگاهی در دسترس عموم قرار گیرد. عدم رعایت این رکن علنی بودن رسیدگی را خدشه‌دار خواهد کرد و نظارت همگانی بر دادرسی و اجرای درست عدالت را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

از موارد نقض این اصل می‌توان به نظام دادرسان بی‌چهره در پرو و کلمبیا در مورد رسیدگی به جرم‌های مواد مخدر، تروریست، شورش و داشتن نامجاز سلاح اشاره کرد. دادرسان بی‌چهره دادرسانی بودند که برای پنهان ماندن هویت خود از متهم، به دلیل ترس از انتقام‌جویی وی و امنیت جانی، چهره خود را می‌پوشاندند و به جای اسم، شماره آنان در همه اسناد دادگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت^{۲۱}. کمیته حقوق بشر این مسأله را مورد انتقاد شدید قرار داد و اظهار داشت که این سامانه با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازگار نیست و باید برچیده شود^{۲۲}.

19. Van Mechelen and Others v. The Netherlands, (55/1996/674/861-864), 23 April 1997, para 54 and 58 (Quoted by: Ibid).

20. Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, OEA /Ser.L/V/ II.84, doc.39, 1993, at p. 109 (Quoted by: Ibid).

21. Amnesty International; op.cit.

22. Concluding Observation by The Human Rights Committee, UN Doc. CCPR/C/79/Add.75, 9 April 1997, Paras 21,40. (Quoted by: I bid)

هر چند نظام دادرسان بی‌چهره در اکتبر ۱۹۹۷ از میان رفت، دادرسی‌های مربوط به جرم‌های تروریستی در کشور پرو همچنان پشت درهای بسته انجام می‌شود.^{۲۳}

نظام دادرسان بی‌چهره در کلمبیا نیز وجود داشت که کمیته حقوق بشر و کمیسیون میان‌امریکایی حقوق بشر آن را مغایر با اصول میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مغایر با کنوانسیون میان‌امریکایی انگاشت.^{۲۴}

این اصل نیز مانند سایر اصول استثناءهایی دارد. همان گونه که پیش‌تر گفته شد، گاهی برای حفظ جان و امنیت گواهان و ترس از انتقام‌جویی متهم علیه وی یا خانواده‌اش، هویت گواه را از متهم مخفی نگه می‌دارند. البته، باید دلایل معقولی برای این بیم و هراس وجود داشته و نیز باید این امر به گونه‌ای باشد که به حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه آسیبی وارد نشود.

دیوان اروپایی پرونده‌ای را بررسی کرد که در آن، متهم تنها بر پایه اظهارات افسران پلیس بی‌نام به حداکثر مجازات محکوم شده بود. دفاع‌کننده نه تنها از هویت گواهان ناآگاه بود، بلکه اجازه اظهار عقیده در مورد وضعیت آنان را نیز نداشت و بنا بر این، نمی‌توانست اعتبار ایشان را از رهگذر پرسش‌های مستقیم ارزیابی کند. افسران پلیس مدارک را به دادرس بررسی‌کننده پرونده ارائه می‌کردند و متهم، وکیلان و دادستان در اتاق دیگر می‌توانستند از رهگذر ارتباطات صدایی پرسش و پاسخ‌ها را انجام دهند. دلیل این اقدام آن بود که افسران پلیس از تلافی متهم ابراز ترس کرده بودند. دیوان اروپایی نتیجه گرفت که این گونه رسیدگی نمی‌تواند جانشین مناسبی باشد تا دفاع‌کننده بتواند اعتبار و وضعیت آنان را بررسی کند و به ناعادلانه بودن رسیدگی حکم داد.^{۲۵}

23. Ammsty International; op.cit.

24. Ibid.

25. Van Mechelen and others v. The Netherlands, (55/1996/674/861-864), 23 April 1997 (Quoted by: Ibid).

حتی در مواردی که مصلحت اقتضاء می‌کند که هویت گواه یا دیگر افراد درگیر در دادرسی پنهان بماند، دادرس باید از هویت آنان آگاهی داشته باشد و این مسأله استثناء‌بردار نیست. زیرا، او به منزله فردی بی‌طرف و مستقل وظیفه دارد که با در نظر گرفتن همه مسائل حکم صادر کند.

درباره مشخص بودن هویت گواه در مرحله رسیدگی، قانون‌گذار ایران در ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ا.ک. تصریح کرده که دادگاه تکلیف دارد پیش از شروع به تحقیق، نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، درجه خویشاوندی و سمت خادم و مخدومی با مدعی خصوصی یا متهم را استعلام کند. همچنین، در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز که به شکل غیرعلنی برگزار می‌شود، دادرس باید پیش از شروع به تحقیق، نام، نام خانوادگی، نام پدر، شغل، محل اقامت، میزان سواد، درجه خویشاوندی سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن گواه یا مطلع نسبت به طرف‌های پرونده و پیشینه کیفری او را پرسیده و در صورت مجلس قید کند (ماده ۱۵۴ ق.آ.د.ا.ک.).

۶. شفاهی بودن دادرسی

دادرسی شفاهی از دوره دادرسی اتهامی به یادگار مانده است و اکنون نیز در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود.^{۲۶} این امر آن را باید از لوازم دادرسی ترافعی و علنی دانست. در جلسه دادگاه، باید اظهارات شاکی، مدعی خصوصی، متهم، مطلعان و گواهان به شکل شفاهی شنیده شود. حتی اگر پیش‌تر (در مرحله تحقیقات مقدماتی) این مطالب نوشته شده و در پرونده موجود باشد، دادرس نمی‌تواند با استناد به آن مطالب به اثناء رأی بپردازد، بلکه باید با شنیدن اظهارات طرف‌ها در دادگاه به صدور رأی مبادرت

۲۶. برای نمونه، ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ا.ک.، ماده ۲۱۲ قانون اصول محاکمات جزائی عراق، ماده ۳۰۲ قانون اصول محاکمات جنائی مصر، ماده ۱۷۶ قانون اصول محاکمات جزائی سوریه، ماده ۲۱۲ قانون اجراءات جزائی الجزایر، ماده ۱۵۱ قانون اجراءات جنائی تونس، ماده ۲۶۴ قانون اجراءات جزائی یمن و ماده ۱/۱۴۸ قانون اصول محاکمات جزائی اردن.

کند. چه بسا طی محاکمه دلایل جدیدی مطرح شود که به کشف حقیقت بینجامد. برای اجرای شفاهی دادرسی، لازم است که اظهارات شاکی، مدعی خصوصی و وکیلان آنان و گواهان و اهل خبره‌ای که مدعی خصوصی یا شاکی معرفی کرده است، شنیده شود؛ از متهم درباره چگونگی ارتکاب جرم تحقیق به عمل آید؛ دفاع‌های متهم، دلایل جدیدی که وی به دادگاه ارائه می‌کند و نیز اظهارات گواهان و مطلعانی که وی معرفی کرده، شنیده شود و «امکان نقد اظهارات گواهان طی محاکمه به طرف‌های دعوا» [۱۲۷: ۳] داده شود.

اهمیت اصل شفاهی بودن دادرسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اظهارات و دفاع‌های طرف‌های دعوا و دلایل و مستندهای آنان در معرض دیدن و شنیدن اعضای جامعه که در دادگاه حضور دارند، قرار می‌گیرد؛
 ۲. با بحث‌ها و گفت‌وگوهایی که در جلسه دادگاه صورت می‌گیرد، ممکن است حقیقت‌هایی کشف شده و ابهام‌های مربوط به موضوع برطرف شود؛
 ۳. شفاهی بودن دادرسی می‌تواند ملاکی باشد که دادرس بر پایه آن به ارزیابی و تعیین ارزش دلایل پردازد و بتواند تصمیم درستی بگیرد؛
 ۴. این اصل می‌تواند اجرای درست عدالت و دادرسی عادلانه را تضمین کند. زیرا، این فرصت را به متهم برای ارائه دفاع‌های خود بر پایه دلایل ارائه‌شده در دعوا می‌دهد و وی را قادر می‌سازد که با بیان اسناد و دلایل از خود رفع اتهام کند؛
 ۵. اصل شفاهی بودن فرع بر حضوری بودن دادرسی است؛ بدین معنا که، طرف‌ها باید در دادگاه حضور داشته باشند تا اظهارات طرف‌ها، گواهان و مطلعان را بشنوند و با توجه به آن، اظهارات و استدلال‌های خود را بیان کنند [۲۹-۱۲۸: ۳].
- از این رو، شفاهی بودن دادرسی از مؤلفه‌های مهم دادرسی علنی است. زیرا، نظارت افکار عمومی بر جریان محاکمه نیازمند آگاهی از اظهارات طرف‌های دعوا، گواهان و دلایل مطرح‌شده است. بنا بر این، چاره‌ای نیست جز آنکه موارد پیش‌گفته

در جلسه رسیدگی مطرح شوند تا مردم از آنها آگاهی یافته و چگونگی اجرای عدالت را مشاهده کنند. عدالتی که بر پایه دلایل نوشتاری تحقق یابد، از نظر اجتماعی فایده‌ای ندارد. زیرا، مردم چگونگی اجرای عدالت را نمی‌بینند.

۷. اعلان و قرائت علنی رأی

هدف اصلی از اعلان علنی رأی تضمین اجرای عدالت کیفری و نظارت عموم بر نظام قضائی است. بنا بر این، هر کس — حتی کسی که طرف دعوا نبوده است — می‌تواند این حق را مطالبه کند. از سوی دیگر، وقتی دادگاه رأی را اعلام می‌کند، در واقع دلایلی را که بر پایه آن حکم صادر کرده است، نیز مطرح می‌کند و این امر برای حق تجدیدنظرخواهی متهم امری اساسی است.^{۲۷}

هر چند در اعلامیه جهانی حقوق بشر از اعلام علنی رأی سخنی به میان نیامده، در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این الزام بدین گونه بیان شده که «... حتی در موارد سرّی بودن محاکمه نیز، صدور حکم نهایی دادگاه باید علنی باشد...». همچنین، در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی، بند ۲ ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا، بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون میان‌آمریکایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۷۴ و بند ۴ ماده ۷۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به این مسأله تصریح شده است.

اعلام علنی رأی دادگاه می‌تواند به شکل قرائت شفاهی آن در جلسه دادگاه یا انتشار آن باشد. مسأله مهم امکان دسترسی عموم به آراء است. اگر رأی فقط در اختیار گروه خاصی از افراد قرار گیرد یا افرادی که منافع خاصی دارند مجاز به دسترسی به آن رأی باشند، حق فرد مبنی بر اعلان علنی رأی نقض شده است. البته، از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، اگر رأی در جلسه علنی با صدای بلند خوانده نشود ولی طرف‌ها

27. Amnesty International; op.cit.

رونوشتی از رأی دادگاه را دریافت کرده و خود رأی نیز در دبیرخانه به امانت نگه‌داری شود تا هرکس که منفعتی دارد آن را بخواند، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض نشده است.^{۲۸}

در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران به این الزام تصریح نشده است، ولی با توجه به اینکه ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته و آن را در مجلس به‌منزله قانون لازم‌الاجراء تصویب کرده، ملزم به رعایت این مسأله است و منطقی آن است که در قانون موضوعه نیز ذکر شود. بر پایه تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ا.ک، «در موارد محکومیت قطعی به جرم اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون ریال بیشتر باشد». تبصره اصلاحی ۵ این ماده نیز مقرر می‌کند که «هر یک از مقامات قضائی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلام محکوم خواهد شد». با وجود این، به نظر می‌رسد که هدف قانون‌گذار از بیان این حکم تعیین مجازات برای مرتکبان این دسته از جرم‌ها بوده تا اعلام علنی رأی. اگر منظور اعلام علنی آراء بود، نمی‌بایست میان جرم‌های مختلف تفاوتی قائل می‌شد.

28. Sutter Case, Series A Vol 74, 22 February, 1984 (Quoted by: Ibid).

نتیجه گیری

علنی بودن دادرسی مستلزم فراهم آوردن شرایط و الزاماتی است. برای برگزاری علنی محاکمه، لازم است که افرادی به جز طرف‌های دعوا و گواهان در جلسه رسیدگی حضور داشته باشند. بدین منظور، شهروندان باید از زمان و مکان جلسه‌های دادرسی آگاهی یابند. افزون بر مردم عادی، نمایندگان رسانه‌ها نیز باید در این جلسه‌ها حضور داشته باشند تا گزارش جریان محاکمه را به آگاهی افرادی که به دلایلی نتوانستند در دادگاه حضور یابند، برسانند.

حضور متهم در دادگاه و آگاهی از اسناد و دلایل گردآوری شده علیه خود یکی دیگر از شرایط مهم برگزاری دادرسی علنی است. زیرا، متهم بر اساس اصل برابری سلاح‌ها حق دارد که از تسهیلات و امکانات لازم و برابر با طرف مقابل بهره‌مند باشد تا بتواند به‌شخصه یا از رهگذر وکیل از خود دفاع کند. البته، در صورت عدم دسترسی به متهم و برای جلوگیری از تضییع حق شاکی، در موارد تصریح‌شده قانونی می‌توان رسیدگی را به شکل غیابی انجام داد.

رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان یکی دیگر از الزامات علنی بودن دادرسی است و این مزیت را دارد که ممکن است شاکی و گواهان به سبب نظارت مردم و ترس از افشاء دروغ خود از سوی حاضران، از بیان مطالب خلاف واقع پرهیز کنند. پرسش از گواهان از سوی دادستان و متهم این مجال را فراهم می‌سازد که دادگاه بتواند عادلانه تصمیم‌گیری کند.

همچنین، هویت همه افراد شرکت‌کننده در فرایند کیفری باید مشخص شده و برای آگاهی مردم در دسترس آنان قرار گیرد. البته، در برخی از شرایط استثنائی مانند حفظ جان و امنیت گواه و هراس از اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم علیه وی یا خانواده‌اش، می‌توان هویت گواه را از متهم پنهان نگه داشت. ولی، در هر صورت، دادرسی باید از هویت گواه آگاه باشد و این امر استثناء‌پذیر نیست.

یکی دیگر از الزامات این اصل شفاهی بودن دادرسی است؛ بدین معنا که، اظهارات طرف‌های دعوا و دلایل و مستندهای آنان در معرض دیدن و شنیدن اعضای جامعه قرار گیرد؛ هرچند این مطالب در پرونده مکتوب باشد. دادرسی شفاهی از آنجا که این امکان را به متهم برای ارائه دفاع‌های خود بر پایه دلایل مطرح‌شده می‌دهد و ممکن است با بحث و گفت‌وگو در جلسه دادگاه حقیقت کشف و ابهام‌های برطرف شود، عادلانه بودن دادرسی را تضمین می‌کند.

سرانجام، اعلان و قرائت علنی رأی لازمه دادرسی علنی است. بر این پایه، هر فرد — حتی کسی به‌جز طرف‌های دعوا — این حق را دارد که از محتوای رأی دادگاه آگاه شود.

فهرست منابع

۱. امیدی، جلیل؛ مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر؛ مجلس و پژوهش، ش ۳۸، سال ۱۰، تابستان ۱۳۸۲.
۲. خالقی، علی؛ علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی؛ مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۵، ۱۳۸۱.
۳. عبدالرزاق الحدیثی، عمر فخری؛ حق المتهم فی محاكمه عادله؛ الطبعة الاولى، دارالثقافة النشر و التوزيع، ۲۰۰۴.
4. Colzza and Rubinat 12 ;Februrary 89 ,1985 Ser .A . 14 .Para ;24 .in :WWW. Amnesty.org/ability/intcam/fair trial/fairtrial.htm .
5. Lawyers Committee for Human Rights; **What Is a Fair Trial (A Basic Guide to Legal Standards and Practice)**; United States of America, March 2000.